

حبیب اله ابوالحسن شیرازی^۱

چکیده

انتقال مسالمت آمیز قدرت در اوکراین به گروه‌های مخالف سبب شده است تا مفهوم انقلاب دمکراتیک در این کشور مطرح شود و یک بار دیگر از زمان فروپاشی شوروی، اذهان بین‌المللی را به این منطقه مهم و استراتژیک جهان جلب کند. اوکراین، دومین کشور بزرگ اروپا از نظر وسعت جغرافیایی در سالهای ۲۰۰۴ و ۲۰۰۷ مواجه با دو انقلاب رنگی نارنجی و آبی شده که این مقاله به بررسی این دو تحول مهم می‌پردازد.

واژگان کلیدی: اوکراین، انقلاب‌های رنگی، انقلاب نارنجی

اوکراین یکی از جمهوریهایی وابسته به اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی بود که پس از فروپاشی این اتحادیه و جدا شدن کشورهای اقماری در شرایط خاصی قرار گرفت. این کشور که از شرق و شمال شرق به روسیه، از شمال به بلاروس، از غرب به لهستان و اسلوواک و از جنوب به مجارستان، رومانی و مولداوی محدود می‌شود، دارای ۵۰ میلیون نفر جمعیت است. اقتصاد اوکراین از ابتدای هزاره جدید میلادی به این سو، به لطف اتکا بر پایه‌های تفکر بازار آزاد رشد انفجاری را تجربه کرده است. اوکراین که پیش از استقلال جزو ارکان مهم اقتصاد شوروی (چه در بخش صنعت و چه در بخش کشاورزی) به شمار می‌آمد، پس از فروپاشی نظام کمونیستی و در طول دهه ۹۰ افت و خیزهای اقتصادی فراوانی را تجربه کرد. تورم افسارگسیخته و کاهش شاخصهای تولید در اقتصاد از آن جمله بود. اما به دنبال اعمال

۱. دکتر حبیب اله ابوالحسن شیرازی مدیر پژوهش و عضو هیئت علمی دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی است.

اصلاحات اقتصادی و رویکرد به اصول تجارت آزاد جهانی، نخستین نشانه‌های رشد تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۰۰ به ثبت رسید.

این اصلاحات، امروز بسیاری از اهرمهای لازم برای تبدیل شدن اوکراین را به یک قدرت بزرگ اقتصادی در اروپا، در اختیار این کشور قرار داده است. زمینهای حاصلخیز کشاورزی، بستر مساعد برای توسعه صنعتی، نیروی کار آموزش دیده و باسواد، و نظام کارآمد آموزشی. اهرمهایی هستند که نشان از آینده روشن دارند، چراکه اوکراین در حال حاضر هنوز نتوانسته از آثار و رکود شدید دوره اقتصادی دهه ۹۰ و ضربه‌های ناشی از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی رهایی یابد. هشت سال فشار اقتصادی، استانداردهای زندگی را نسبت به دهه ۸۰ میلادی بیش از ۵۰ درصد کاهش داده، اکثریت مردم اوکراین را به ورطه فقر سوق داده است. هر چند اقتصاد خرد اوکراین از شرایط با ثباتی برخوردار است.

هروینیا، واحد پول اوکراین (هر هریونیا معادل ۱۶۹۲ ریال) که از سپتامبر ۹۶ جایگزین روبل گردید نیز کم و بیش با ثبات مانده است. در پی افزایش تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۰۰ (نخستین رشد اقتصادی از زمان استقلال کشور) شاخص صادرات معادل ۶ درصد و شاخص تولیدات صنعتی معادل ۹/۱۲ درصد افزایش یافت. در سال ۲۰۰۱ نیز رشد اقتصادی مثبت بود تا جایی که شاخص تولید ناخالص داخلی واقعی ۹ درصد و تولیدات صنعتی ۱۴ درصد افزایش را نشان می‌دادند. اوکراین از منابع غنی طبیعی و معدنی بهره می‌برد. علاوه بر ذخایر قابل توجه نفت، این کشور از دیگر منابع مهم انرژی شامل زغال سنگ، گاز طبیعی، هیدرو الکتریسیته (برق آبی) و عناصر مورد نیاز برای تولید سوخت هسته‌ای نیز برخوردار است. از جمله تولیدات مهم صنعتی در اوکراین می‌توان به آهن ریخته‌گری، فولاد و انواع لوله اشاره کرد. در سال ۲۰۰۵، این کشور به عنوان هفتمین تولید کننده بزرگ فولاد در دنیا شناخته شد. صنایع شیمیایی اوکراین نیز با تولید کک، کودهای زراعی و اسید سولفوریک نقش مهمی در اقتصاد کشور ایفا می‌کنند. اوکراین علاوه بر برخورداری از قابلیت‌های چشم‌گیر در تولید تجهیزات فلزی

از جمله لوکوموتیوهای دیزلی، تراکتور و اتومبیل، بخش قابل توجهی از نیازهای روسیه و دیگر کشورهای جدا شده از شوروی سابق را در حوزه‌های الکترونیک، صنایع نظامی و برنامه‌های فضایی تأمین می‌کند. از جمله تولیدات عمده اوکراین در بخش کشاورزی و تولیدی نیز می‌توان به شکر، گوشت، شیر و غلات اشاره کرد. در روند اصلاحات اقتصادی، اوکراین به سرمایه‌گذاری و تجارت خارجی توجه ویژه‌ای مبذول داشته است. در همین راستا، پارلمان اوکراین قانونی را به تصویب رساند که براساس آن سرمایه‌گذاران غربی می‌توانند املاک، مستغلات و شرکتهای اوکراینی را خریداری کنند و ضمن برخورداری از تملک کامل، به کسب درآمد بپردازند. البته در مقابل این قانون هنوز موانعی چون بوروکراسی و فساد اداری خودنمایی می‌کنند، اما قدر مسلم این‌که دولت عزم خود را برای جذب سرمایه‌های خارجی جزم کرده و قصد دارد موانع را از سر راه این طرح حذف کند.

تا آوریل ۲۰۰۶ (آخرین امار) حجم کامل سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی در اوکراین حدود ۴/۱۷ میلیارد دلار اعلام شده است. ضمن آن‌که بیشتر مبادلات تجاری این کشور با روسیه و اتحادیه اروپا انجام شده است. در همین سال، تولید ناخالص داخلی اوکراین ۸۳۵۵ میلیارد دلار، رشد GDP (تولید ناخالص داخلی) ۶ درصد، نرخ تورم ۵ درصد، جمعیت زیر خط فقر ۷/۲۶ درصد، نیروی کار ۶/۹ میلیون نفر، نرخ بیکاری ۶ درصد، صادرات ۱۲/۳۹ میلیارد دلار و بدهی خارجی این کشور ۶۷/۴۱ میلیارد دلار برآورد شده است.

اوکراین در تولید برق کاملاً خودکفاست و حتی برق را به روسیه و شرق اروپا نیز صادر می‌کند. این خودکفایی به لطف برخورداری از انرژی اتمی و منابع انرژی‌زای آبی حاصل شده است. اوکراین به رغم برخورداری از منابع غنی نفت و گاز، با مشکل جدی در بخش پالایش مواجه است تا جایی که ۹۰ درصد از نفت و گاز مصرفی خود را وارد می‌کند. روسیه اصلی‌ترین تأمین‌کننده نفت اوکراین است و ترکمنستان نیز بخش عمده‌ای از گاز مصرفی این کشور را تأمین می‌کند^۱. همین مسئله موجب شده تا روسیه نقش اساسی در برپایی انقلاب آبی اوکراین داشته باشد. تا قبل از روی کار آمدن یوشچنکو، رئیس

جمهوری فعلی دو رئیس جمهور دیگر در این کشور به حکومت رسیده بودند. رویدادهای اوکراین که نخست به انقلاب نارنجی و سپس به انقلاب آبی مشهور شده است یکی از نقاط عطف در تاریخ جدید این کشور است که بر آنیم تا به تجزیه و تحلیل این دو انقلاب، علل، عوامل و متغیرهای تأثیرگذار درونی و برونی که موجبات پیدایی چنین تحولاتی شدند بپردازیم.

انقلاب نارنجی

با خاتمه یافتن دوران ریاست جمهوری «لئونید کوچما» که از بازماندگان دوران زمامداری کمونیستها در جمهوری اوکراین محسوب می‌شد، در نوامبر ۲۰۰۴ انتخابات ریاست جمهوری برگزار شده برخلاف پیش‌بینی بسیاری از صاحب‌نظران عرصه سیاست و روابط بین‌الملل و به ویژه مسائل منطقه «ویکتور یوشچنکو» بر حریف روس‌گرای خود، پیروز شد. وی که مورد حمایت مستقیم و غیرمستقیم غربیها و آمریکا قرار دارد، توسط بنیادهای و سازمانهای غیر دولتی آمریکایی و غربی حمایت مالی می‌شود و در پرتو جانبداری‌های آنان رشد و نمو یافته است. با ورود ویکتور یوشچنکو به عرصه قدرت، پس از سالهای متمادی به نقش کلیدی روسها در اداره امور اوکراین و زعامت و سلطه آنها بر بالاترین قدرت اداری، در این جمهوری پایان داده شد.^۲

عده‌ای این رخداد مهم و قابل توجه را در راستای اقدام مشابه صورت پذیرفته در جمهوری گرجستان (که منجر به روی کار آمدن مهره مشابهی شده بود)، انقلاب نارنجی (علیه روسها و اقتدارگرایی آنها در اوکراین) نامگذاری کردند. تحلیلگران این اقدام را نقطه عطفی در کاهش قدرت عملی روسیه در محدوده حیات خلوت و حاشیه امنیتی خود یعنی در جمهوریهای مستقل جدا شده از اتحاد جماهیر شوروی (پس از فروپاشی آن) به شمار آوردند. آنان حتی پیش‌بینی کردند که این روند تداوم یافته و روز به روز منجر به نفوذ و ریشه‌دار شدن جریانات، افراد و گروههای وابسته به آمریکا و غرب در دایره حاشیه امنیتی فدراسیون روسیه خواهد شد. عمده‌ترین شعارهایی که یوشچنکو و

طیف وابسته به جریان‌های فکری وی در جمهوری اوکراین قبل و اوایل روی کار آمدن در افکار عمومی سر می‌دادند، ایجاد دگرگونی و اصلاحات در سیستم اقتصادی و معیشتی اوکراین و ایجاد و برقراری آزادی کامل در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی و... بود. تحولات اوکراین که در فاصله روزهای ۲۱ نوامبر لغایت ۲۶ دسامبر ۲۰۰۴ رخ داده؛ نقطه آغاز انقلاب نارنجی است که به توضیح پیرامون آن خواهیم پرداخت.

در دوم آذر ماه ۱۳۸۳ متعاقب برگزاری انتخابات ریاست جمهوری اوکراین و اعلام پیروزی ویکتور یانوکوویچ با احراز ۴۹/۵۸ درصد آراء، اپوزیسیون داخلی و ناظران بین‌المللی (به ویژه ناظران سازمان امنیت و همکاری اروپا) موارد عدیدهای از تخلف در جریان رای‌گیری را اعلام کردند. این در حالی بود که ناظران اعزامی از کشورهای مشترک‌المنافع به‌رغم وجود تخلفات فراوان، روند برگزاری انتخابات را قانونی اعلام کرده بودند، حمایت کرم‌لین از یانوکوویچ به‌طور جدی تداوم داشت و در همین رابطه ولادیمیر پوتین پیش از برگزاری انتخابات دو بار به کی‌اف سفر کرد. پس از پیروزی یانوکوویچ، پوتین مبارزات انتخاباتی اوکراین را شفاف و صادقانه خواند و پیروزی به دست آمده را قاطع نامید. پیروزی ویکتور یانوکوویچ در انتخابات ریاست جمهوری در نوامبر ۱۹۹۴ اوکراین نشان دهنده نفوذ روز افزون روسیه در این کشور بود.^۳ نخبگان روسی یا هواداران اوکراینی روسیه هم‌چنان تحت تأثیر کلیشه‌های دوران جنگ سرد، اهداف آمریکا در اوراسیا را تحلیل می‌کردند. یانوکوویچ با کسب ۴۹/۴۶ درصد آرای رای دهندگان به عنوان رئیس جمهوری اوکراین انتخاب شد و رقیب او، ویکتور یوشچنکو ۴۶/۶۱ درصد آرا را به دست آورد.^۴ روسیه در دوران پوتین برای کاهش وابستگی و تمایل اوکراین به غرب و افزایش همبستگی با مسکو بسیار کوشید. پیروزی یانوکوویچ می‌توانست نفوذ روسیه بر روسیه سفید را نیز استحکام بخشد. در این شرایط فشار بر گرجستان به رهبری میخائیل ساآکاشویلی و ازبکستان به رهبری اسلام کریم‌اف که متحد استراتژیک آمریکا در شرایط پس از ۱۱ سپتامبر محسوب شدند، شدت یافت.

پیروزی یانوکوویچ در اوکراین می‌توانست فرآیند وابستگی دولتها به آمریکا در قلمرو

اوراسیا و خاورمیانه را با دشواری جدی مواجه سازد. در این چارچوب اوکراین از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود اما با اعلام نتایج اولیه انتخابات، ویکتور یوشچنکو صحت انتخابات را مورد تردید قرار داد و اتحادیه اروپا نیز حمایت خود را از دیدگاه‌های وی اعلام کرد. پوتین طی سخنانی اعلام کرد فقط مردم اوکراین می‌توانند در این مورد تصمیم‌گیری کنند و چند روز بعد مردم اوکراین به خیابانها ریختند. دولت آمریکا با حمایت از ویکتور یوشچنکو در طراحی و اجرای کودتایی فوق مدرن، نقش آفرینی کرد. آمریکا تکنیک‌هایی را به کار گرفت که پیش از این در سال ۲۰۰۰ در صربستان و در سال ۲۰۰۳ در گرجستان (و به طور ناموفق در روسیه سفید در ۲۰۰۱) اجرا کرده بود.^۵

به دنبال این رویداد، جمعیتی حدود دویست هزار تن در خیابانهای کی‌اف تحصن کرده و خواهان اعلام پیروزی یوشچنکو از سوی کمیسیون انتخابات گردیدند. این در حالی بود که اتحادیه اروپا مصرانه خواستار بررسی مجدد نتیجه انتخابات شده بود. واشنگتن نیز تهدید کرد که به علت تقلب در انتخابات در روابط خود با کی‌اف تجدیدنظر خواهد کرد و در صورت عدم تحقیق و بررسی انتخابات، علاوه بر قطع کمکها و یاری‌رسانی‌های خود به دولت اوکراین، داراییهای این کشور را نیز توقیف خواهد نمود. گزارشهای واصله از کشورهای اروپایی نیز حاکی از آن بود که دیپلماتهای اوکراینی در برخی پایتختهای اروپایی از پذیرفتن یانوکوویچ به عنوان رئیس جمهور خودداری کرده و یوشچنکو را رئیس جمهور خود اعلام کرده بودند. کشورهای فرانسه، استرالیا، هلند و انگلستان نیز به صف مخالفان نتایج اعلام شده از سوی کمیسیون مرکزی انتخابات پیوستند.^۶

به این ترتیب اوکراین که در سالهای نخست فروپاشی شوروی، به جزیره ثبات در میان جمهوریهای آشوب زده معروف شده بود، درگیر آشوبهای خیابانی شد و وضعیت داخلی آن بحرانی گردید. با افزایش تشنج در کی‌اف و احتمال بروز درگیری، ادامه تظاهرات صدها هزار نفری در پایتخت اوکراین، یوشچنکو و یانوکوویچ برای مذاکره با کوچما، رئیس جمهور اعلام آمادگی نمودند. متعاقب ابراز تمایل طرفهای درگیر در

بحران، موضوع مسمومیت یوشچنکو توسط متخصصان غربی تأیید شد. دوما ی روسیه خواستار حل بحران اوکراین از طریق قانون اساسی شد. در بیانیه دوما تأکید شد که فقط کمیسیون مرکزی انتخابات می‌تواند نتایج نهایی را اعلام نماید. اتحادیه اروپا نیز از مقامهای اوکراینی خواست از اعلام نتیجه نهایی انتخابات خودداری کنند. خاویر سولانا، کمیسر سیاست خارجی اتحادیه اروپا از مقامهای اروپایی خواست نتایج انتخابات را مورد بازبینی قرار دهند. وی تصریح کرد که نحوه برخورد اوکراین یا این انتخابات آزمون مهمی در روابط این کشور با اتحادیه اروپا خواهد بود.

همزمان با این رویدادها، برای نخستین بار در خیابانهای کی‌اف طرفداران یوشچنکو علیه روسیه شعار دادند. دبیرکل سازمان ملل با صدور بیانیه‌ای نسبت به تحولات ناشی از انتخابات در اوکراین ابراز نگرانی کرد. دبیرکل ناتو خواستار بازبینی نتایج انتخابات ریاست جمهوری اوکراین شد و با فراخواندن سفیر اوکراین به وی تأکید کرد که این مسأله باید به صورت مسالمت‌آمیز حل و فصل شود. وی افزود اوکراین شریک ناتو است و این سازمان حق دارد نسبت به آنچه در این کشور اتفاق می‌افتد، حساس باشد. با پای فشردن کمیسیون مرکزی انتخابات بر مواضع قبلی خود در مورد پیروزی یانوکوویچ و اوج‌گیری اعتراضات مردمی، تظاهرکنندگان از ورود یانوکوویچ به دفتر نخست وزیری ممانعت نمودند. در همین حال پارلمان اوکراین نشستی اضطراری برگزار کرد.

با ادامه بحران و تشدید فضای ناآرامی و اوج‌گیری مخالفت‌های بین‌المللی در خصوص نتایج انتخابات در اوکراین، نخست وزیر این کشور و نامزد مخالفان موافقت خود را با تشکیل گروه کاری برای حل بحران اوکراین و پرهیز از درگیری اعلام کردند. این در حالی بود که روز بعد رئیس پارلمان اوکراین، ولادیمیر لیتوین پیشنهاد ابطال نتایج انتخابات را داد. با این پیشنهاد پارلمان اوکراین رد نتایج دور دوم انتخابات را به تصویب رساند.^۷ در مناطق غربی اوکراین نیز روس تبارها به مخالفت با حوادث کی‌اف پرداختند. جمعی از طرفداران ویکتور یانوکوویچ نیز روانه خیابانهای کی‌اف شدند، به طوری که خطر جنگ داخلی به شدت مطرح شد. رئیس اتحادیه اروپا و کمیسر روابط خارجی آن نگرانیهای

جدی خود در این زمینه را عنوان می‌کردند. ساختارهای سیاسی - اقتصادی اوکراین فلج شده بود و اظهارات جدایی طلبانه برخی مقامات، خطر فروپاشی اوکراین را شدت بخشیده بود. ناآرامیها نیز همچنان ادامه داشت تا در نهایت دیوان عالی کشور نتایج اولیه انتخابات را باطل کرد. با حمایت صریح آمریکا و اروپا از این اقدام، شکست سنگینی بر روسیه تحمیل شد ولی فدراسیون روسیه هنوز از توانایی عظیم ژئوپلیتیکی برای تأثیر بر روند تحولات در اوکراین برخوردار بود. یوگنی پریماگوف، نخست وزیر اوراسیاگرای روسیه، حوادث اوکراین را علیه منافع روسیه برآورد کرد و به صراحت گفت که روسیه به ظرفیتهای اقتصادی موجود در مناطق شرقی اوکراین نیاز دارد. واکنش طرفداران یانوکوویچ به این تحولات، تهدید به تجزیه کشور به دو بخش شرقی مرکب از ۱۷ استان طرفدار نخست وزیر پیشین و بخش غربی شامل طرفداران یوشچنکو بود. به دنبال تشدید این فضا و اوج‌گیری شایعاتی مبنی بر شتاب‌گیری روند تجزیه اوکراین به دو قسمت غربی و شرقی، ارتش اوکراین اعلام کرد که از تمامیت ارضی کشور دفاع خواهد کرد.

با ایجاد این فضای جدید در خصوص حل بحران اوکراین و تقویت مواضع جناح یوشچنکو، فدراسیون روسیه در یک چرخش آشکار، موضع خود را تغییر داد و اعلام کرد که روسیه معتقد است تمام مسائل باید در چارچوب قانون اساسی و قوانین اوکراین حل و فصل شود. در ۷ دسامبر با برگزاری نشست سوم مقامات اوکراینی، اپوزسیون روسی و غربی در کیف با هدف ارائه راهکارهایی برای حل بحران، حمایت کوچما از برگزاری انتخابات جدید در اوکراین، رای عدم اعتماد پارلمان اوکراین به یانوکوویچ، انحلال دولت، رای دادگاه عالی اوکراین به بطلان انتخابات ریاست جمهوری و ضرورت برگزاری مجدد انتخابات ریاست جمهوری، تاریخ جدید برگزاری انتخابات ریاست جمهوری ۲۶ سپتامبر اعلام گردید. با برگزاری مجدد انتخابات در اوکراین و کسب ۵۲/۲۱ درصد آراء، پیروزی قاطع ویکتور یوشچنکو در ۶ دی ۱۳۸۳ قطعیت یافت. در مراحل مختلف برگزاری این انتخابات هزاران ناظر بین‌المللی حضور پیدا کردند و ساآکاشویلی، رئیس

جمهور گرجستان اولین رئیس جمهوری بود که به یوشچنکو تبریک گفت. «لخ والسا» رئیس جمهور سابق لهستان نیز پیروزی یوشچنکو را به معنای قرار گرفتن اوکراین در جاده آزادی و دموکراسی دانست.^۸ با ابطال انتخابات نوامبر ۲۰۰۴ که یانوکوویچ پیروز نخستین آن بود، تقابل روسیه و غرب در اوکراین جلوه‌ای تازه و جدی به خود گرفت. انقلاب نارنجی اوکراین از طراحی و اجرای سناریوهای مشابه در محدوده سیطره شوروی خبر داد که بلافاصله در قرقیزستان دنبال شد. اما یوشچنکو کمی پس از انتخاب شدن؛ اعلام کرد که اولین سفر خارجی خود را به مسکو انجام خواهد داد، زیرا او به خوبی از پیوندها و همبستگی‌های عظیم و همه جانبه روسیه و اوکراین آگاه بود. او کاملاً می‌دانست بهبود رابطه با روسیه، شرط بقای قدرت او در اوکراین و پیشبرد برنامه‌های سیاسی - اقتصادی‌اش خواهد بود.^۹

عوامل و متغیرهای تأثیرگذار درونی و برون

در بررسی عوامل و متغیرهای تأثیرگذار درونی و برون بر دگرگونی‌های اوکراین می‌توان به نقش الیگارشی سیاسی و اقتصادی اشاره نمود. در واقع رهبران اصلی سیاسی اوکراین همان افرادی هستند که در زمان نظام شوراها، در چارچوب نظام کمونیستی نبض قدرت سیاسی را در همه سطوح این کشور بر عهده داشته‌اند. آنان در سالهای پس از استقلال هم نیز با روسیه در ارتباط بودند و به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در مراکز مختلف قدرت؛ مهم‌ترین تصمیمات سیاسی کشور را اتخاذ و اجرا می‌کردند. اگر در مقاطعی افرادی به شبکه آنها نفوذ کرده، در صدد ناهمخوانی بر می‌آمدند سریع کنار گذاشته می‌شدند. به همین دلیل رای دهندگان به یوشچنکو را می‌توان از جمله طرفداران و همفکران یوشچنکو، مخالفان حکومت کوچما، رئیس جمهور و مخالفان دخالت روسیه در اوکراین محسوب کرد که عملاً پیرامون نامزد مخالف دولت گرد آمدند و در واقع آنها خواستار روی کار آمدن چهره‌ای شدند که بتواند به آرزویشان جامه عمل بپوشاند.

مع‌هذا قدرت در اختیار گروه‌های معدود و عمدتاً طرفدار حکومت و نزدیک به روسیه بود که از جمله این گروه‌ها می‌توان از گروه دانتسک به رهبری احمدوف در شرق اوکراین (طرفدار یانوکوویچ، نخست وزیر و کاندیدای مورد حمایت حاکمیت)، گروه دنیپروفسک به رهبری پینچوک، داماد کوچما در شرق اوکراین (طرفدار یانوکوویچ)، گروه کی‌اف به رهبری مدودچوک، رئیس نهاد ریاست جمهوری (کوچما نیز در این مجموعه قرار می‌گیرد)، یاد کرد. رهبران این گروه‌ها علاوه بر در اختیار داشتن رهبری احزاب سیاسی و نمایندگان پارلمان در نظر مردم متهم به الیگارش‌ی اقتصادی و عدم توزیع عادلانه ثروت هستند که نارضایتی مردم را موجب شده بودند. شعارهای یوشچنکو مبنی بر شفاف‌سازی سیستم مالی و مدرن‌سازی امور اقتصادی برای جلب سرمایه‌گذاری خارجی توجه ناراضیان را به سمت خود معطوف کرد و ناراضیان به امید حذف الیگارش‌ی اقتصادی حاکم، تحولی در وضعیت نامطلوب اقتصادی و نابه‌سامانی‌های رفاهی و اجتماعی فراهم آید. عدم توزیع عادلانه سرمایه‌گذاریها و ایجاد صنایع در مناطق مختلف کشور با توجه به این‌که قوی‌ترین گروه‌های اقتصادی در مناطق شرقی کشور مانند استانهای خارکف، دنیپروپتروفسک، دانتسک و کی‌اف استقرار دارند و در طول سالهای پس از استقلال نیز عملاً تغییری در سیاستهای گذشته برای تقویت و تأسیس واحدهای صنعتی جدید و سرمایه‌گذاریهای بیشتر در غرب کشور صورت نگرفته است. مردم مناطق غربی امیدوارند با پیروزی یوشچنکو و توجه وی به مناطق غربی، تغییراتی در وضعیت فعلی توزیع ثروت و صنایع به نفع آنها پدید آید. به همین جهت در جریان هر سه انتخابات اکثر مردم این مناطق از یوشچنکو حمایت کردند. رواج رشوه، رانت خواری، فساد اداری و حکومتی، وجود مفسد مختلف در سیستم حکومتی اوکراین موجب گردید که تمام کارها در این چارچوب پیش رود و وابستگی مسئولان به حکومت موجب نارضایتی شدید مردم شود. مافیای قدرت و ثروت تنها در مسیر تأمین منافع هیأت حاکمه بود و به همین علت رشوه و رانت‌خواری در همه رده‌های سیستم حکومتی رواج پیدا کرده بود.

از آن جاکه ثروت ملی در دست کمتر از ۱۰ درصد جمعیت ۵۰ میلیونی کشور است - اکثر جمعیت ۵۰ میلیون نفری اوکراین با درآمد ماهیانه حدود ۱۰۰ دلار امرار معاش می‌کنند - افکار عمومی اکثر مردم از عدم توزیع عادلانه ثروت آگاه و از آن به شدت ناراضی بودند. مردم حاکمیت پیشین و نامزدهای آن را عامل فقر می‌دانستند و با امید به تغییر این شرایط و بهبود وضعیت اقتصادی در آینده به رقیب او یعنی یوشچنکو روی آوردند. نتیجه عملکرد طرفداران نظام بسته سیاسی، اقتصادی و فرهنگی رهبران اوکراین را در طول بیش از یک دهه اخیر باید در تأثیر امواج دموکراسی خواهی مخصوصاً استقرار مردم سالاری و آزادیهای مدنی و توجه مردم اوکراین به یوشچنکو به عنوان مدافع این تفکر دانست. روی آوردن به یوشچنکو با این دلیل صورت گرفت که از این به بعد، خود سرنوشت کشورشان را تعیین کنند و از سیطره ذهنیت به جای مانده از بلوک شرق آزاد شوند^{۱۰}. نقش سازمانهای غیر دولتی با عنوان «پارا» با استفاده از جوانان پرشور، قوه محرکه جریان مبارزه هماهنگ و هدایت کننده نیروهای مردمی از ماهها قبل از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری بود. این مجموعه بیشترین نقش را در جریان اعتراضات و اعتصابات خیابانی در پایتخت و محاصره اماکن مهم دولتی بر عهده داشت بطوری که به‌رغم برودت هوا، صداها چادر در خیابان اصلی کی‌اف برپا شد و هفته‌ها توجه افکار عمومی داخلی و جهانی را به مبارزه خود معطوف کرد^{۱۱}. بودجه جنبش‌های جوانان «پارا» از طرف مؤسسه «جامعه باز سوروس» تامین می‌شد که بخشی از روندی بود که بالغ بر ۱۰۰۰۰ فعال دانشجویی را در بر می‌گرفت. جنبش جوانان «پارا» که از طرف ائتلاف سازمانهای غیر دولتی اوکراین برای آزادی انتخابات حمایت می‌شود با توجه به مدل جنبش‌های دانشجویی «اوپتور» در صربستان و «کمارا» در گرجستان تشکیل شده است. ائتلاف برای آزادی انتخاب در اوکراین به عنوان یک چتر سازمانی عمل می‌کند، این سازمان غیردولتی مستقیماً از طرف سفارتخانه‌های آمریکا و انگلیس در کی‌اف، و از طرف آلمان از طریق نهاد فردریش ایبرت اشتیفتونگ (نهادهی مرتبط با سوسیال دموکراتهای حاکم) حمایت می‌شود. از میان شرکای اصلی و آژانس‌های تامین کننده

بودجه آن می‌توان از آژانس آمریکایی برای توسعه بین‌المللی «USAID»، آژانس کانادایی برای توسعه بین‌المللی «CIDA»، بانک جهانی و بنیاد چارلز استوارت موت نام برد.^{۱۲} ائتلاف برای آزادی انتخاب در اوکراین به نوبه خود برای «پارا» کمک مالی جمع‌آوری کرده و بودجه آنرا تامین می‌کند.^{۱۳} نقش محوری و عمدهٔ جوانان در جریان تظاهرات و مبارزه خیابانی طرفداران یوشچنکو با حکومت را می‌توان از عوامل مهم پیروزی انقلاب نارنجی در اوکراین به حساب آورد. در مدت اجرای نافرمانی‌های مدنی مردم اوکراین، این جوانان بودند که با استقرار در اردوگاه‌هایی که در خیابان مرکزی شهر در چادرها، هفته‌ها، شب و روز در سرمای چند درجه زیر صفر باقی ماندند و نقش مهمی در محاصره اماکن مهم دولتی از جمله کاخ ریاست جمهوری را بر عهده داشتند. این اردوگاه‌ها به عنوان نماد مخالفت با کوچما تا پیروزی نهایی به جای ماند.^{۱۴} جناح مخالف توانست با اثبات موضوع تقلب در دادگاه و از طریق فشارهای وارده، با جلوگیری از تکرار تقلب یا اختلاف فاحش در دور دوم به پیروزی قطعی برسد.

حمایت مستقیم و غیر مستقیم غربی‌ها از دیدگاه‌ها و مواضع یوشچنکو، ملاقات با وی و پخش زنده اخبار، تظاهرات و سخنرانی‌های یوشچنکو در طول انتخابات و حمایت‌های مالی، تبلیغاتی، رفت و آمد و دیدار شخصیت‌های سیاسی غربی با یوشچنکو، نقش مؤثری در جلب توجه مردم و انتخاب یوشچنکو داشت. کانال پنج تلویزیون اوکراین در سایت‌های اینترنتی، مصادیقی از جنگ روانی آمریکا و اروپا علیه جناح روس‌گرا را به نمایش گذاشت و البته نباید از حمایت‌های مالی پنهان غرب از یوشچنکو نیز غافل بود.^{۱۵}

ایجاد شبکه تلویزیونی همسو به عنوان ابزار جهت‌بخشی و هدایت افکار عمومی به سوی دیدگاه‌های رهبران مخالف، تأثیر قابل توجهی در بسیج و تحرک به افکار عمومی داشت. اطلاع‌رسانی وسیع و گسترده شبکه‌های خبری غربی (بی.بی.سی، سی.ان.ان، یورونیوز) در خصوص انتشار اخبار مخالفت‌ها با هیأت حاکمه، به نفع یوشچنکو و بزرگ‌نمایی آن علیه حکومت بود که در این راستا یورونیوز نقش اول را ایفا کرد.^{۱۶}

یوشچنکو همچنین در انتخابات ریاست جمهوری اوکراین قویا از حمایت واشنگتن برخوردار بوده است. او از طریق صندوق بین‌المللی پول و جامعه مالی بین‌المللی، بنیاد مالی برای دموکراسی، موسسه خانه آزادی و انستیتوی جامعه باز متعلق به جورج سوروس مورد حمایت بوده است.

بنیاد ملی برای دموکراسی^{۱۷} چهار موسسه پیوسته به خود دارد: (۱) موسسه بین‌المللی جمهوری خواه، (۲) موسسه دموکراتیک ملی در امور بین‌المللی، (۳) مرکز بین‌المللی بنگاه‌های خصوصی و (۴) مرکز آمریکایی برای همبستگی بین‌المللی کار که گفته می‌شود این سازمان‌ها به شکل منحصر به فردی برای ارائه کمک فنی به دموکراسی نوپا در سراسر جهان آماده به خدمت هستند^{۱۸}.

در اوکراین، بنیاد ملی برای دموکراسی و سازمان‌های تشکیل دهنده آن، حزب یوشچنکو یعنی «اوکراین ما» و «کلوپ مطبوعات کی اف» را از نظر مالی تامین کرده‌اند. خانه آزادی به همراه موسسه جمهوری خواه بین‌المللی به نوبه خود درگیر ارزیابی و بررسی سلامت انتخابات و نتایج آن شد. کارمندان موسسه جمهوری خواه بین‌المللی در ۹ منطقه به عنوان ناظر انتخابات و در ۲۵ منطقه به عنوان کارکنان محلی حضور داشتند. ناظران خارجی حرفه‌ای هم از طرف نهادهایی مانند اتحادیه اروپایی حضور داشتند. اما بر انتخابات اوکراین، هزاران ناظر انتخاباتی محلی نیز نظارت داشتند که از طرف گروه‌های غربی تعلیم یافته و حقوق دریافت می‌کردند. آنها همچنین نظرسنجی‌های خروجی از حوزه‌های اخذ رای را سازمان می‌دادند. در شب انتخابات این نظرسنجی‌ها، یوشچنکو را ۱۱ واحد جلو نشان دادند و زمینه را برای آنچه که اتفاق افتاد آماده کردند^{۱۹}. این نهادها که برشمرده شد، در قبال آزادی مطبوعات متعهد بودند. فعالیت‌های آنها نه تنها شامل نظرسنجی‌های خروجی و دادن اطلاعات دقیق و درست به زنجیره خبررسانی‌های غربی می‌شد که آنها در فراهم آوردن و تامین بودجه گروه‌های دانشجویی هوادار غرب، همکاری داشتند و قادر بودند نمایش‌های گسترده‌ای از نافرمانی مدنی را سازمان‌دهی کنند^{۲۰}.

غرب به ویژه آمریکا با مطالعه شرایط خاص و کسب اطلاعات دقیق از وضعیت کشورها و بررسی راه‌های امکان فشار بر نقاط ضعف و اشکالات موجود و نواقص آشکار و پنهان، استراتژی جدید نافرمانی مدنی را مورد حمایت قرار داد.^{۲۱}

غرب از طریق به صحنه کشاندن طرفداران و به خصوص جوانان به اهداف خود که ساقط کردن رقیب است، اقدام نمود. این شیوه موفق دومین تجربه غرب پس از انقلاب گرجستان بود.^{۲۲} توسل به جنگ روانی و شعارهایی نظیر آزادی خواهی، دموکراسی، اصلاح طلبی، دفاع از حقوق بشر، رفاه عمومی، مبارزه با فساد اداری و نیز معرفی اقدامات طرفداران خود به عنوان نماد آزادی و رهایی ملت‌ها؛ به قیام‌های مردمی و نافرمانی‌های مدنی دامن زده و آنان را تشویق به حضور فعال‌تر در عرصه مبارزات کرد و در صحنه نگاه داشت. تقویت فضای تبلیغاتی امید به آینده بهتر در میان معترضان و مخالفان دولت اوکراین، در کارکرد مطلوب‌تر روند دگرگونی در اوکراین نقش مهمی ایفا نمود.^{۲۳}

در بررسی عملکرد دو سال و اندی از دولت یوشچنکو، مشاهده می‌شود که وی نتوانسته است مردم کشور خود را در این عرصه راضی نگاه دارد و در مجموع اوکراین طی این مدت زمانی ثبات سیاسی و حتی اقتصادی نداشته است.

با توجه به تاثیرگذاری فاکتورهای داخلی و عوامل پنهان خارجی می‌توان چنین استنباط نمود که یکی از نتایج دگرگونی در کشورهای مشترک‌المنافع در مسیر ایجاد تغییرات دموکراتیک و مردم سالارانه، حذف تدریجی اما مستمر بازماندگان سیاسی حزب کمونیست دوران اتحاد شوروی است.

دموکراسی غربی با مؤلفه‌هایش (نماد حاکمیت سیستم غربی) به نبرد با اقتدارگرایی و تمرکزگرایی (نماد سنتی شرق) برخاست و در سطح سیاسی، آمریکا و اتحادیه اروپا و شورای امنیت و همکاری اروپا در حالی به حمایت از کاندیدای طرفدار غرب برخاستند که مقامات مسکو از تداوم بقای سیستم خود اطمینان داشتند و مهمترین شاخص سنجش در این راستا را از منظر نگاه روسیه پوتین می‌توان پیروزی مخالفین روس‌گرای یوشچنکو به رهبری «ویکتور یانوکوویچ» در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۶ میلادی در

اوکراین و رای مردم به حزب وی عنوان نمود. پس از این پیروزی، یوشچنکو به ناچار مجبور شد یانوکوویچ را به سمت نخست وزیری انتخاب نماید. بروز اختلافات در اوکراین، بین پارلمان و نخست وزیر از یک سو و رئیس جمهوری از سوی دیگر در واقع مرهون و پدید آمده از عوامل یاد شده است. در بررسی وقایع و رخداد‌های اوکراین به شش متغیر بر می‌خوریم که عبارتند از:

۱. اوکراین یک کشور دو تکه یا دو پاره است و یک رودخانه نیز به لحاظ جغرافیایی این دو منطقه را از هم جدا کرده است؛ در منطقه شرق، که مردمان آن ارتدوکس و روس زبان هستند و منطقه غرب، که اهالی آن عمدتاً کاتولیک و اوکراینی زبان هستند. البته از نظر ترکیب جمعیتی، اوکراینی‌ها بیشتر از روسها هستند و درصد جمعیت آنها تقریباً به نسبت ۵۵ به ۴۵ است. اما به لحاظ اقتصادی، قدرت اصلی و تعیین کننده در نظام اقتصادی در منطقه شرق این کشور واقع شده است. عوامل یاد شده از جمله ریشه‌های اصلی اختلافات موجود در اوکراین بوده و برخی عوامل بحران از این موضوع نشأت می‌گیرد.

۲. پس از روی کار آمدن یوشچنکو و پای گرفتن تحولی سیاسی با نام انقلاب نارنجی در اوکراین، بازیگران خارجی در عرصه اوکراین فعال تر شده و رویای همیشگی و پشت پرده در بین این بازیگران در حال تحقق است و سرنوشت جدیدی برای مردم آن سامان در حال رقم خوردن است.

۳. ثبات و برقراری و تداوم نظم در اوکراین هم برای روسیه و هم برای اروپایی‌ها مهم است لذا آنها سعی دارند هر طور شده، برآیند کشمکشها و برخوردها در این جمهوری در نهایت به آرامش منجر گردد. طرفهای رقیب ترجیح می‌دهند رقابتهای خود را در عرصه‌های مختلف و بدون کشمکش و تشنج و برخورد جدی به پیش برند اما چون در حال حاضر هدایت اصلی کار به صورت کامل در دست یک طرف نیست لذا بروز بحران و درگیری، طبیعی می‌نماید.

۴. صحنه سیاسی اوکراین صحنه‌ای لرزان است. صحنه تحولات بسیار شتابنده است.

جناحهای قدرت و گروههای حزبی و سیاسی به ناگاه ظهور و سپس افول می‌کنند. چنانکه خانم تیموشنکو به سرعت ظهور و با همان سرعت افول کرد. اوکراین به واسطه ساختارش ثبات دائمی ندارد، لذا به طور دائم گرفتار لرزش خواهد بود و روسها با آگاهی از این موضوع از آن بهره‌برداری می‌کنند.

۵. اوکراین کشوری است که دچار بحران هویت است. لذا وضعیت لرزان در بحث هویت نیز تداوم خواهد داشت. برخی معتقدند شاید جدایی این کشور مثل چک و اسلواکی بهترین نسخه برای آن باشد.

۶. اینکه در اوکراین الگویی متناسب با خواست غرب اجرا شود برای آنها بسیار مهم است. بدون شک تحولات اوکراین در برخی کشورها و جمهوری‌های منطقه تاثیرگذار خواهد بود.^{۲۴}

در حقیقت در کشمکش‌های اخیر، علاوه بر موارد فوق به لحاظ محتوا نیز پارامترهای ذیل قابل بررسی هستند:

۱. به هنگام روی کار آمدن یوشچنکو در اوکراین، فشار عوامل خارجی برجسته‌ترین عامل به شمار می‌آمد و نقش اول را بر عهده داشت و در واقع موفقیت وی تحت تاثیر عوامل خارجی شکل گرفت. اما در بحران اخیر عمده اختلافات و محتوای آنها، درگیرها و کشمکشهای داخلی ما بین ارکان قدرت در این کشور بود.

۲. بحران اخیر یک جنگ قدرت داخلی بین گروههای حاکم در این کشور بود. یوشچنکو بعد از انقلاب رنگین و به دست‌گیری قدرت نتوانسته است مدیریت صحیحی را در کشور اعمال کند. لذا بخشهایی از این اختلافات درونی است که چندی پس از پیروزی انقلابیون، در اردوگاه آنها رخ داده است. این عامل بدون شک زمینه را برای روی کار آمدن طیفی از مخالفین به مرور پدید خواهد آورد.

۳. عده‌ای معتقدند یوشچنکو در تداوم تفکر روس‌گریزی که پس از شکل‌گیری انقلاب نارنجی در اوکراین پدید آمده بود؛ اقتدار لازم را به خرج نداده است و نتوانسته در مقابل یانوکویچ و حتی انتخابات سال گذشته پارلمان اقتدار لازم را اعمال کند. این عده

که غرب‌گرا هستند معتقدند یانوکوویچ با تقلب در انتخابات پیروز شده است. این طیف اظهار می‌دارند یانوکوویچ در صدد است اوکراین را به سمت دوران لئونید کوچما ببرد.

۴. اگر انتخابات زود هنگام پارلمانی برگزار شود یوشچنکو رئیس جمهور فعلی نخواهد توانست اکثریت را بدست آورد، طبق نظرسنجی‌ها حزب مناطق متعلق به نخست وزیر و طرفدارانش، نسبت به طرفداران رئیس جمهور، در حال حاضر اکثریت را دارا هستند چرا که یوشچنکو نتوانسته است تغییرات و تحولات مثبت چندانی پدید آورد البته تغییرات و تحولات در عرصه اقتصادی مستلزم زمان بسیار و اقتدار چشمگیری است تا آثار رفاه ناشی از آن محسوس شود. در حال حاضر نابسامانی اقتصادی موجود منجر به نابسامانی سیاسی و شورش شده است درست مانند اقدامی که طرفداران یوشچنکو در زمان انقلاب نارنجی انجام داده‌اند، حال مخالفینش از این حربه علیه خودش استفاده می‌کنند.

۵. احتمال اینکه یوشچنکو با چراغ سبز غرب و آمریکا این اقدام را انجام داده باشد متصور است. بدون شک وی نیز برای انتخابات زودرس پارلمانی برنامه‌ریزی حزبی‌اش را کرده و بی‌کار نخواهد نشست. به هر حال این اقدام برای یوشچنکو یک ریسک به شمار می‌آید چه حالت بینابینی دارد و حاصل آن یا برد است یا باخت.

خانم تیماشنکو (نخست وزیر سابق) نیز با سفر به آمریکا و دیدار با دیک چنی (معاون رئیس جمهور آمریکا) و رایس (وزیر امور خارجه) از آنها جواب مثبت برای اقدامات خود گرفته است. البته تا امروز آن طور که انتظار می‌رفت آمریکایی‌ها وارد قضیه نشده‌اند.

۶. برخی مقامات روسیه و دوما [پارلمان] این کشور نیز نسبت به اقدامات یوشچنکو موضعگیری کرده و آن را محکوم کرده‌اند. لاوروف وزیر امور خارجه روسیه در خصوص این موضوع عنوان داشته که صرفاً در صورت تقاضای رسمی اوکراینی‌ها، روسیه در این مناسبات ورود خواهد کرد.

۷. طبق قانون اساسی اوکراین ارتش توسط رئیس جمهور و پلیس تحت فرمان نخست وزیر اداره می‌شود. اکثریت ارتش وفاداری خودش را به رئیس جمهور اعلام داشته‌اند. البته تظاهرات مردمی اخیر، بیانگر این واقعیت است که یانوکوویچ نخست

وزیر، طرفداران بسیاری دارد و روز به روز بر تعداد آنها افزوده می‌شود. چندی قبل نیز توسط نمایندگان پارلمان و با انجام اصلاحات در قانون اساسی، اختیارات نخست وزیر افزایش و اختیارات رئیس جمهوری کاهش یافته است. به طوری که براساس این اصلاحات پارلمان می‌تواند رئیس جمهور را استیضاح کند.

۸. در حال حاضر در صحنه سیاسی اوکراین شاهد وجود سه جناح عمده و مهم هستیم: جناح اول که جناحی روس گراست. پایگاه عمده آنها مناطق شرق اوکراین بوده و قدرت اقتصادی نیز عمدتاً در دست آنهاست. جناح دوم جناحی روس گریز یا غرب گراست که پایگاه عمده آنها مناطق غربی اوکراین بوده و به دنبال طرحهایی از قبیل ورود به اتحادیه اروپا و پیوستن به سازمان ناتو و امثال آن هستند. جناح سوم، جناح احزاب و گروههای میانه روست که حالت بینابینی دارند. در واقع همین جناح سوم است که نقش تعیین کننده را در صحنه سیاسی اوکراین عهده دارند. به طور نمونه در بحران اخیر جابه جایی حزبی، ۱۱ نفر نماینده در پارلمان به نفع حزب نخست وزیر رای داده‌اند که موجب بر هم خوردن تعادل در پارلمان و شرایط حاکم شد^{۲۵}.

انقلاب آبی

انقلاب آبی اوکراین در روزی آغاز گردید که هزاران اوکراینی ناراضی از ضعف رهبران انقلاب نارنجی در میدان مرکزی کی‌اف بزرگترین تظاهرات را به نمایش گذاشتند و آن روز را باید روز بازگشت روسیه به حیات خلوت خود نام نهاد. همه آنها که در بهار سیاسی کی‌اف، پرچمهای آبی و سفید رنگ را در برابر پرچمهای رنگ باخته نارنجی به اهتزاز در آوردند، به زبان روسی تکلم می‌کردند و با لهجه روسی سرود پیروزی می‌خواندند و از این‌ها مهمتر پیشاپیش صف تظاهر کنندگان سیاستمدار سرشناس و دوست دیرین کرملین، یانوکوویچ حرکت می‌کرد.

پس از سه سال از وقوع انقلابهای رنگی، این بزرگترین روبرویی میان جبهه روس گرایان و غرب گرایان است که یوشچنکو و یانوکوویچ نماد این دو جریان هستند. جبهه

هوادار روسیه سه سال به انتظار ماند تا چنین روزی، یعنی روز فوران خشم مردم خسته از مشکلات اقتصادی و نبود امکانات رفاهی و قشرهای ناامید از وعده‌های سیاستمداران نارنجی پوش از راه برسد^{۲۶}.

بازی بزرگ روسیه و آمریکا در اوکراین به تدریج به نفع روسها تغییر جهت می‌یابد. برای مسکو و هواداران پروپاقرص آن، هیچ فرصتی از این بهتر نبود که رهبر و نماد انقلاب دموکراتیک اوکراین با دست خود به تخریب نهادی اقدام کند که خود از دامان آن برخاسته است. آنها می‌دانستند که تصمیم یوشچنکو برای انحلال پارلمان در واقع انتحار سیاسی یک انقلاب و جنبش دموکراتیک است. یوشچنکو از پشت صحنه ماجرا خبر داشت، به همین دلیل انگشت اتهام را به سوی مسکو نشانه رفته است. نخستین بیانیه او این بود که ائتلاف حامی روسیه برای تصاحب دوباره قدرت در کی‌اف خیز برداشته است. اما جز این اعتراض بی‌اثر، از یوشچنکو و جناح بی‌رمقش کار دیگری ساخته نبود.

رقیبان روس‌گرای او پارلمان و بسیاری از ارکان سیاسی اوکراین را در دست گرفته‌اند. خبر پیوستن ۱۱ نماینده ائتلاف یوشچنکو به گروه روس‌گرای یانوکوویچ در واقع آخرین ضربه بر پیکر جناح غرب‌گرایان بود. به همین دلیل اکنون فرمان جنجالی رئیس‌جمهور ضد روس به یک ورق پاره تبدیل شده است.

واقعیت این است که مردان روس ماب داستان تغییر موازنه قدرت در کی‌اف را خیلی پیشتر از این در خارج از پارلمان رقم زده بودند و آنچه در عرصه کشمکش قوه مجریه نمایان شد، در حقیقت برآیند و محصول سه سال کارزار پشت صحنه کرملین با نارنجی پوشان کی‌اف بود. این نزاع زمانی به نقطه اوج خود رسید که پوتین با بستن شیرهای گاز اوکراین، گلوی حکومت انقلابی یوشچنکو را فشرده.

همان روز رئیس‌جمهوری اوکراین، تصمیم روسیه را نبردی برای مقابله با استقلال اوکراین خواند. ویکتور یوشچنکو گفت که روسیه آشکارا از این امکان خود بهره می‌گیرد تا بر دولت او که خواستار اتحاد با اروپا است، فشار وارد کند. عزم رهبری کرملین برای استفاده از سلاح کارآمد و برنده گاز پروم در جنگ با غرب‌گرایان کی‌اف زمانی عملی شد

که حکومت نوپای اوکراین سرود پیوستن به سازمان‌های غربی، به ویژه ناتو را ساز کرد. جنگ انرژی روسیه با اوکراین بر سر انتقال گاز نشان داد که نه تنها کی‌اف که همه شرکای اروپایی یوشچنکو تا چه میزان در بازی بی‌رحم انرژی آسیب پذیرند. در واقع، طومار حکومت نارنجی‌پوشان در اول ژانویه ۲۰۰۶ در هم پیچیده شد، وقتی که قطع صدور گاز روسیه به اوکراین در سپیده دم سال نو میلادی فریاد و ناله همه کشورهای شرق اروپا از لهستان تا مجارستان را به گوش کاخ سفید رساند. بیشتر از یک سال طول نکشید تا روسها تأثیر تحریم‌های خردکننده اقتصادی خود را در زندگی میلیونها شهروند اوکراینی به نظاره نشستند. به شهادت اغلب ناظران جنبش مخالف امروز اوکراین، اغلب تظاهرکنندگان با انگیزه نجات زندگی اقتصادی خویش به صف مبارزان علیه حکومت یوشچنکو پیوسته‌اند. اما چنان که برخی ناظران روسیه گفته‌اند، حادثه اوکراین در نگاه روسها یک نقطه آغاز است و از دید کرملین، جنبش اعتراضی کی‌اف بخشی از یک فرایند بازگشت است که بازتاب سرشت فروبلعنده آن باید پهنه دیگر حکومت‌های غرب‌گرای منطقه را فراگیرد.

این نکته را یوری لوتسنکو یکی از سیاستمداران متمایل به اروپای کی‌اف و از جمله رهبران اوبوزیسیون اوکراین در گرماگرم کشمکش «میدان» بر زبان آورد و گفت: به اعتقاد من، «میدان» نقطه آغاز انقلاب جدیدی خواهد بود.

بنابراین، اکنون مسأله اصلی این نیست که نزاع پر دامنه نارنجی‌ها با نیروی رقیب یوشچنکو که پرچم‌های آبی و سفید در دست دارند در کجا متوقف خواهد شد، بلکه نکته کلیدی ماجرا این است که قاعده بازی، را در قلمرو جماهیر مشترک‌المنافع تعیین شده و سرانجام از همان روسیه‌ای که زمانی بازنده بود موج انقلاب‌های رنگی چهره دیگری ساخته و آن را به جهت داشتن گاز پرم به شیوه‌ای معرفی کرده که در فردای انحلال پارلمان اوکراین، طرف اروپایی وادار شد تا پیام مصالحه و سازش به کرملین فرستد.

چنین رخدادی حاوی نکته مهمی است که والری یازف، رئیس کمیته انرژی روسیه در سال ۲۰۰۶ چنین اشاره می‌نماید: "زمان تشکیل اتحادی تازه در بستر شوروی

سابق فرا رسیده است، اتحادی مرکب از شرکای انرژی روسیه و کشورهای چون ترکمنستان، قزاقستان، ازبکستان، روسیه، اوکراین و بلاروس^{۱۱} سخن آن روز این سیاستمدار روسی یک رویاپردازی نبود، بلکه حلقه‌ای از یک استراتژی بلند مدت بود که طنین آن در اجلاس مونیخ ۲۰۰۷ و در دکترین اعلام شده از سوی پوتین نمایان شد. چنان که یازف گفته است: "این اتحاد و بلوک نوین می‌باید وزنه تعادلی در برابر اتحادیه اروپا باشد که به منبع حیاتی درآمد شرکت «گازپروم» روسیه تبدیل شده است"

نتیجه‌گیری

شعار اصلی در انقلابات رنگین بیشتر به دلیل فشارهای اقتصادی (توزیع قدرت، توزیع ثروت، فقر و...) بوده و بر مبنای آن حرکات اعتراض آمیز اولیه تحت عنوان انقلاب نارنجی صورت پذیرفته است. حال که این انتظارات را یوشچنکو در افکار عمومی مردم نتوانسته است پاسخگو باشد و حل نماید لذا دامنه اعتراضات مردمی مجدداً در انقلابی آبی رنگ شعله‌ور شده است.

بیشتر درگیری‌ها و کشمکشهای سیاسی در حال جریان اوکراین، تحت الشعاع مسایل داخلی قرار گرفته تا بیرونی. در زمان بروز انقلاب نارنجی، یوشچنکو به دنبال کسب نظر و در طلب دعوت و دخالت خارجی‌ها برای پیروزی خود و حل قضیه بود ولی این بار وی سعی دارد بحث را داخلی مطرح کند و مانع از دخالت خارجی‌ها شود. وی سعی در جلوگیری از اعمال فشار از خارج به خود را دارد. اگر در صحنه سیاسی اوکراین، به صورت کوتاه مدت نیز اوضاع آرام شود این مسئله به معنای حل نهایی موضوع نبوده و به مثابه آتش زیر خاکستر خواهد بود.

بنا به دلایل متعدد بحران اوکراین راه‌حل سریعی ندارد و به این زودیها شرایط ثبات به وجود نخواهد آمد ضمن اینکه در صورت بی‌ثباتی و ادامه روند آن این امر باعث دخالت غربیها و روسها در این صحنه خواهد شد. روسیه، مناطق و جمهوری‌های حایل را برای

خود مهم و حیاتی تلقی می‌کند؛ لذا بدون شک در دیدی کلان‌تر و عمیق‌تر نسبت به این موضوع، روسها در این قبیل مسایل و رویارویی در این عرصه‌ها، در برابر غربیها کوتاه نخواهند آمد. برای مثال در بحث طرح استقرار سپر موشکی آمریکایی‌ها، هم روس‌ها و هم نخست وزیر اوکراین (یانوکوویچ که فردی روس‌گرا است) همسو و هم‌جهت با یکدیگر موضعگیری منفی و تند را نشان دادند که خود این امر حاکی از ماهیت توافق‌های پشت پرده و خاستگاه اصلی یانوکوویچ است.

یادداشتها

1. "What color will be Ukraine's Revolution?", See: <http://kargozaraan.com/Released/86-01-15/28.htm>.
2. "Yushchenko takes reins in Ukraine", See: <http://news.bbc.co.uk/2/hi/europe/4198957.stm>
3. Pavel Demes (2007), Reclaiming Democracy: Civil Society and Electoral Change in Central and Eastern Europe, German Marshall Fund, pp.12-25.
4. "Results of Voting in Ukraine Presidential Elections 2004", <http://www.cvk.gov.ua/pls/vp2004/wp00lc>
5. "Orange Revolution", See <http://www.orangerevolution.com>.
6. "The Orange Revolution", See <http://www.time.com/time/magazine/article>.
7. "Supreme Court of Ukraine Decision Regarding the Annulment of November 21st Vote", See <http://www.skubi.net/ukraine/findings.html>.
8. See <http://www.OrangeChronicles>.
۹. کولایی، الهه. انسان انقلاب‌های رنگی (تهران: موسسه ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۴)، ص ۱۴۹.
۱۰. لطفیان، سعیده. پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی حوادث گرجستان، اوکراین و قرقیزستان. (تهران: موسسه ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۴).
۱۱. حافظی، حمیدرضا. بررسی تحولات در اوکراین و نتایج آن. (تهران: موسسه ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۴)، ص ۱۱۱.
12. <http://coalition.org.ua/en/index.php?option=content>

13. <http://pora.org.ua/en/content/view/83/95>

۱۴. مجتهدزاده، پیروز. پیامدهای جهانی تحولات گرجستان، اوکراین و قرقیزستان. (تهران: موسسه ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۴).

15. "How Top Spies in Ukraine Changed the Nation's Path", See:
<http://nytimes.com/2005/01/17>.

16. "US Money Has Helped Opposition in Ukraine", See:
<http://www.truthout.org>

۱۷. در میان تعداد بی‌شمار نهادهای غربی، بنیاد ملی برای دموکراسی اگرچه رسماً بخشی از سازمان سیا نیست اما در شکل دادن سیاست‌های حزبی در اتحاد شوروی سابق، اروپای شرقی و در اطراف جهان نقش اطلاعاتی مهمی را به عهده دارد. بنیاد ملی برای دموکراسی در سال ۱۹۸۳ تأسیس شد یعنی زمانی که سیا متهم بود که به طور سری به سیاستمداران اوکراینی رشوه داده و سازمانهای جبهه‌ای جعلی جامعه مدنی را دایر و فعال کرده است. لذا می‌توان گفت در کشورهای اتحاد شوروی سابق و از آن جمله در اوکراین، بنیاد ملی برای دموکراسی، در واقع بازوی غیر نظامی سیا را تشکیل می‌داده است. دخالت‌های سیا و بنیاد ملی برای دموکراسی الگوی ثابتی دارند. در ونزوئلا نیز بنیاد ملی برای دموکراسی در پس کودتای ناموفق سیا علیه هوگو پریزیدنت چاوز قرار داشت و در هائیتی در جریان کودتای آمریکا علیه پریزیدنت آریستید و اخراج او از کشور در فوریه ۲۰۰۴، بودجه احزاب اپوزیسیون و سازمانهای غیر دولتی را تأمین کرد. در یوگسلاوی سابق، سیا از سال ۱۹۹۵ به ارتش آزادیبخش کوزوو و حملات تروریستی علیه پلیس و ارتش یوگسلاوی کمک می‌کرد. همزمان بنیاد ملی برای دموکراسی، از طریق مرکز بنگاه خصوصی بین‌المللی از اپوزیسیون دمکراتیک در صربستان که ائتلافی از نیروهای مخالف در صربستان و مونته‌نگرو بود حمایت می‌کرد.

بنیاد ملی برای دموکراسی به طور مشخص از لحاظ مالی گروه ۱۷ را تأمین می‌کرد. این گروه از اقتصاددانان اپوزیسیون (در ارتباط نزدیک با صندوق بین‌المللی پول) مسئول برنامه‌ریزی و سازماندهی سکو یا پلاتفرم اصلاحات بازار آزاد و ائتلاف اپوزیسیون دمکراتیک در صربستان طی انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۷ که به سقوط اسلوبودان میلوسویچ انجامیده بودند.

مرکز بنگاه خصوصی بین‌المللی طرح بسیار مشابهی را در اوکراین پیاده کرده و در آنجا مستقیماً بودجه تحقیق پیرامون اصلاحات بازار آزاد را در چندین خزانه اندیشه مستقل "Independent Think Tanks" کلیدی و موسسات تحقیق در سیاست را تأمین می‌کند. مرکز بین‌المللی برای مطالعات سیاسی مستقر در کی‌اف که عملکردی شبیه گروه ۱۷ در صربستان و مونته‌نگرو دارد، از طرف مرکز بنگاه خصوصی بین‌المللی حمایت می‌شود. مرکز بین‌المللی برای مطالعات سیاسی یک گروه از اقتصاددانان بومی را استخدام کرده و با حمایت

بانک جهانی مسئولیت تدوین یک برنامه همه جانبه اصلاحات اقتصادی کلان برای بعد از انتخابات را به آنها واگذار نموده است. نگاه کنید به:

www.globalresearch.ca/articles/cho402d.html

18. www.iri.org/history.asp

19. www.globalresearch.ca/articles/tra411a.htm

۲۰. یان ترایتور، گاردین، ۲۶ نوامبر ۲۰۰۴.

21. "US Campaign Behind the Turmoil in Kie", See:

<http://www.guardian.co.uk>

۲۲. امیراحمدیان، بهرام، «تحولات اوکراین یا انقلاب نارنجی»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۴۹، بهار

۱۳۸۴، ص ۵۹

23. Adrian Karatnychy, "Ukraine's Orange Revolution", <http://www.aser-nou/1384>

pp.1-18.

24. Andrew Wilson (2006), Ukraine's Orange Revolution, Yale University Press,

pp.6-45.

25. Anders Aslund and Michael Mcfaul (2006), Revolution in Orange: The Origins of Ukraine's Democratic Breakthrough, Carnegie Endowment for International Peace.

26. The Price of People Power, See <http://www.guardian.co.uk>.